پژوهش دینی

شمارهٔ ۴۹، پاییز و زمستان ۱۴۰۳
صص ۱۲۱-۱۴۶ (مقاله پژوهشی)

Pazhouhesh Dini
No. 49, Autumn &Winter 2024/ 2025

زبان قرآن به‌مثابه زبان نشانه؛ تحلیل نشانه‌شناختی آیات قرآن با تأکید بر توحید ربوبی و جهان‌شمولی تفسیر

مهدی نوری افشان[۱]، حامد فتوت احمدی[۲]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۲/۰۴ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۲/۱۴)

چکیده

این پژوهش با روش تحلیلی – تفسیری و با رویکردی نشانه‌شناختی به بررسی ماهیت زبان قرآن به‌مثابه «زبان نشانه» یا «نظامی از نشانه‌ها» می‌پردازد. با استناد به آیات و تأکید قرآن بر مفهوم «آیه» (نشانه‌بودن)، استدلال می‌شود که زبان قرآن فراتر از گزاره‌های عرفی یا علمی، مبتنی بر نظام نشانه‌شناختی است و قرآن نه‌تنها متنی دینی، بلکه شبکه‌ای از نشانه‌هاست که مخاطب را به کشف حقایق از طریق تعامل با نشانه‌ها و تأمل در هستی و توحید ربوبی –با تکیه بر کلیدواژه «حق» در قرآن– فرامی‌خواند. تحلیل محتوایی و نقش توحید ربوبی در هدایت انسان نشان می‌دهد که زبان نشانه‌محور قرآن، راهی جهان‌شمول برای درک حق ارائه می‌دهد که وابسته به فرهنگ، دانش و تجربه فردی و اجتماعی است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که رویکرد نشانه‌محور قرآن، امکان تفسیر پویا و تطبیق‌پذیر با شرایط زمانی– مکانی مختلف را فراهم می‌سازد، بدون آنکه به یکتابودن حقیقت خدشه وارد شود. این پژوهش همچنین توحید ربوبی و نزدیکی به حق را به‌عنوان محوری برای وحدت‌بخشی به تفسیرهای متنوع از نشانه‌ها معرفی می‌کند؛ زیرا خداوند سراسر عالَم را نیز برپایه زبان نشانه آفریده است. یافته‌ها حاکی از آن است که خوانش نشانه‌شناختی از قرآن، راه حلی برای رفع تضاد میان ثبات حقیقت و تغییرپذیری تفسیرها است.

کلید واژه‌ها: زبان قرآن، زبان نشانه، آیه، حق، توحید ربوبی.

---

۱. استادیار مرکز زبان دانشگاه امام صادق﵇، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛ nouriafshan@isu.ac.ir
۲. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران؛
hamed.fotovat@gmail.com

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

۱- بیان مساله

زبان به‌عنوان ابزار اصلی انتقال مفاهیم، در قالب‌های مختلفی همچون زبان عرفی؛ زبانی که در ارتباطات روزمره استفاده می‌شود (دامن‌پاک مقدم، ۴)، زبان علمی؛ زبانی که برای بیان دانش و اطلاعات دقیق به‌کار می‌رود و مبتنی بر تجربه است (کوهن، ۱۳۶)، زبان نمادین؛ مانند هنر و خواب که از نمادها و نشانه‌ها برای انتقال معنا استفاده می‌کند (چندلر، ۶۹) و زبان دینی ظهور می‌یابد. قرآن کریم به‌صراحت، خود را «بِلِسَانٍ عَرَبِیٍّ مُّبِینٍ» (الشعراء، ۱۹۵) معرفی می‌کند؛ اما در عین حال، واژه «آیه» را نه‌تنها برای آیات نوشتاری، بلکه برای نشانه‌های موجود در بیرون از قرآن مانند پدیده‌های طبیعی: «آیَاتٍ فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (الجاثیة، ۳) به‌کار می‌برد. این دوگانگی مفهومی، پرسش‌هایی را دربارهٔ ماهیت زبان قرآن ایجاد می‌کند که این مقاله در پی پاسخ به آنهاست:

الف. آیا زبان قرآن صرفا زبانی عرفی، ادبی یا علمی است؟

ب. چرا قرآن از واژهٔ «آیه» به‌عنوان کلیدواژهٔ مرکزی برای آیات متنی و موارد بیرونی (اعم از پدیده‌های طبیعت، قوانین مربوط به انسان و انسان‌شناسی، معجزات پیامبران و آنچه مایهٔ عبرت است) به‌طور مشترک استفاده می‌کند؟

ج. چگونه این زبان نشانه‌محور، با هدف هدایت به «صِرَاطٍ مُّسْتَقِیمٍ» (الفاتحة، ۶) همسو می‌شود؟

۲- مقدمه

۲-۱. هدف پژوهش

هدف این مقاله، تحلیل زبان قرآن به‌مثابه «زبان نشانه» با تأکید بر دومحور اصلی است:

الف. تبیین نقش نشانه‌ها (آیات) در ایجاد گفتگوی پویا بین قرآن و مخاطب، به‌گونه‌ای که فهم متن وابسته به تعامل فعال با نشانه‌ها باشد.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

ب. بررسی ارتباط این زبان با مفهوم «توحید ربوبی» به‌عنوان محور هدایت قرآن با تکیه بر کلیدواژهٔ «حق»، که بر تدبیر الهی جهان و ضرورت توجه به نشانه‌ها برای درک ربوبیت خداوند و هدایت به سوی صراط مستقیم تأکید دارد.

۲-۲. ضرورت پژوهش

مطالعات پیشین عموما بر جنبه‌های ادبی، فقهی یا کلامی قرآن متمرکز بوده‌اند، اما جای خالی پژوهشی که زبان قرآن را از منظر نشانه‌شناسی (Semiotics) و در پیوند با توحید ربوبی تحلیل کند، به‌وضوح احساس می‌شود. این پژوهش با ارائهٔ خوانشی نوین، نشان می‌دهد که زبان نشانه‌محور قرآن:

الف. امکان تفسیرهای چندلایه و تطبیق‌پذیر با شرایط مختلف تاریخی و فرهنگی را فراهم می‌کند.

ب. تناقض ظاهری بین «وحدت حقیقت» و «کثرت تفاسیر» را با تکیه بر توحید ربوبی و کشف حق و حقیقت حل می‌کند.

ج. پاسخگوی نیاز جوامع امروزی به خوانشی عقلانی و غیردگماتیک از متون دینی است.

۲-۳. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های پیشین مرتبط با موضوع این مقاله را می‌توان در سه‌گروه اصلی طبقه‌بندی کرد:

الف. مطالعات نشانه‌شناختی قرآن: محمد آرکون الجزایری (Arkoun) به بررسی قرآن به‌مثابه متن تاریخی- فرهنگی پرداخته است. وی با رویکردی انتقادی در کتاب «الفکر الأصولی و استحالة التأصیل»، قرآن را نظامی از دلالت‌های باز می‌خواند که قابلیت تفسیرهای چندلایه دارد (آرکون، ۶۷). نصرحامد ابوزید در «مفهوم النص؛ دراسة فی علوم القرآن» قرآن را به‌مثابه نص متحرک تحلیل می‌کند که با تعامل مخاطب معنا می‌یابد. وی بر نقش نشانه‌ها در ایجاد گفتگوی بین متن و مفسر تأکید دارد (ابوزید، مفهوم النص، ۱۲۳). وی همچنین با تحلیل آیات محکم و متشابه، نشان می‌دهد قرآن همزمان از ثبات و انعطاف

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

نشانه‌شناختی برخوردارد است (همو، نوسازی، تحریم و تأویل، ۱۴۵). طه عبدالرحمن در «تجدید المنهج فی تقویم التراث»، از منطق الإشارة در قرآن سخن می‌گوید و نشانه‌ها را ابزار هدایت می‌داند (عبدالرحمن، ۸۹). در منابع فارسی می‌توان به برخی کتب عبدالکریم سروش اشاره داشت که در آن استدلال می‌کند زبان قرآن، «زبانی رمزآلود و نشانه‌محور» است که مخاطب را به تأویل فعالانه دعوت می‌کند (سروش، فربه‌تر از ایدئولوژی، ۱۲۶؛ همو، صراط‌های مستقیم، ۱۹۲ و همو، بسط تجربهٔ نبوی، ۳۲۲).

ب. **توحید ربوبی**: در تفاسیر کلاسیکی مانند «المیزان» علامه طباطبایی، توحید ربوبی به‌عنوان اساس ارتباط انسان با خدا و پایهٔ اصلی هدایت قرآن مطرح شده و نشانه‌های طبیعی، تجلی تدبیر الهی معرفی شده است (نکـ : طباطبایی، ۱۱/۱۰-۹)، اما پیوند آن با زبان نشانه‌ها بررسی نشده است. فخر رازی در «مفاتیح الغیب» (فخرالدین رازی، ۲۲/۳) و مرتضی مطهری در کتاب «توحید» نیز به این مسئله پرداخته‌اند. برای نمونه شهید مطهری توضیح می‌دهد که ربوبیت الهی، تنها به آفرینش محدود نمی‌شود، بلکه تدبیر مستمر جهان را شامل می‌شود (مطهری، ۸۴). همچنین محمدحسن قدردان قراملکی در کتاب «راز خلقت و بقا؛ رابطهٔ خدا با جهان» معتقد است که توحید ربوبی پاسخگوی پرسش‌های فلسفی معاصر دربارهٔ نظم جهان است (قدردان قراملکی). در این زمینه مقالهٔ «تبیین نسبت دومفهوم؛ توحید و علم، بر پایهٔ کاربست کلیدواژهٔ حق در قرآن کریم» نیز از زاویه‌ای نو به این موضوع نگریسته که در بخش توحید ربوبی به آن پرداخته خواهد شد.

ج. **تفسیر پویا از قرآن**: آثاری مانند «جامعه‌سازی قرآنی» از محمدرضا حکیمی، از نشر دلیل ما بر ضرورت خوانش زمان‌مند از قرآن تأکید دارند، اما مکانیسم این پویایی در خود متن قرآن تحلیل نشده است. ابن عاشور در «التحریر و التنویر» تأکید می‌کند که قرآن متناسب با تفاوت‌های فرهنگی مخاطبان، قابل تطبیق است (ابن‌عاشور، ۵۰/۱) و جوادی آملی در «تفسیر تسنیم» قرآن را کتابی فرازمانی می‌داند که نشانه‌های آن با پیشرفت دانش بشر آشکارتر می‌شود (جوادی‌آملی، ۱۲۳/۲). در این زمینه مقالاتی چون «قرآن و

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

کثرت‌گرایی دینی (پلورالیسم)؛ مبانی، زمینه‌ها و انگیزه‌ها» از سیدحسین هاشمی، مجلهٔ پژوهشهای قرآنی، ۱۳۸۱ش، شماره۳۱ و «گونه‌شناسی آیات علمی قرآن و مبانی استنباط گزاره‌های علمی از آنها» از بهاره مظاهری تهرانی و دیگران، مجلهٔ آموزه‌های قرآنی، ۱۳۹۶ش، شماره۲۶ نیز به چاپ رسیده است. از سوی دیگر مواردی چون «فی ظلال القرآن» و «رسالة التوحید» نیز وجود دارند که نشانه‌محور بودن یا تفسیر نمادین از قرآن را یا انحراف از نص قرآن می‌دانند و یا محدود به مواردی که نص صریحی در موردشان وجود ندارد (سیدبن قطب، ۷۵/۱ و عبده، ۱۱۰).

با وجود پژوهش‌های ارزشمند فوق، یک شکاف اصلی در ادبیات موجود مشاهده می‌شود و آن عدم تلفیق نشانه‌شناسی با توحید ربوبی و هدایت انسان به صراط مستقیم است. بیشتر مطالعات نشانه‌شناختی قرآن (مانند آثار ابوزید) به مباحث زبان‌شناختی محدود شده‌اند و ارتباط آن با توحید ربوبی را بررسی نکرده‌اند.

۲-٤. مبانی نظری

این بخش به معرفی چارچوب مفهومی پژوهش می‌پردازد که شامل سه محور کلیدی است:

الف. زبان نشانه از دیدگاه نشانه‌شناسی (Semiotics)

ب. مفهوم توحید ربوبی در قرآن

ج. جهان‌شمولی تفسیر نشانه‌ها

۲-٤-۱. زبان نشانه از دیدگاه نشانه‌شناسی

نشانه‌شناسی به مطالعهٔ نظام‌های نشانه‌ای و فرایندهای دلالت می‌پردازد. براساس نظریه‌ای که متعلق به فردینان دوسوسور (Ferdinand de Saussure) است، هرنشانه از دو جزء تشکیل شده است:

الف. دال (Signifier): صورت یا شکل مادی نشانه (مثلا واژهٔ «آیه»)

ب. مدلول (Signified): مفهوم یا معنای مرتبط با دال (مثلا «نشانهٔ الهی») (چندلر، ۴۲)

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

از سوی دیگر، چارلز سندرس پیرس (Charles Sanders Peirce) نشانه را براساس رابطه‌اش با مدلول به سه دسته تقسیم می‌کند:

الف. شمایل (Icon): مبتنی بر شباهت (مثلا تصویر کعبه به‌عنوان نماد اسلام)

ب. نمایه (Index): مبتنی بر رابطهٔ علّی یا فیزیکی (مثلا دود به‌عنوان نشانهٔ آتش)

ج. نماد (Symbol): مبتنی بر قرارداد اجتماعی (مثلا کلمات در زبان یا واژهٔ «ربّ» به‌عنوان نماد پروردگار) (Hartshorne,227-248)

پیرس در این اثر تأکید می‌کند که هرنشانه از سه عنصر تشکیل شده است:

الف. نشانه (Sign-vehicle): شکل فیزیکی یا مفهومی نشانه.

ب. مصداق (Object): چیزی که نشانه به آن اشاره می‌کند.

ج. تعبیر (Interpretant): تأثیری که نشانه در ذهن مفسر ایجاد می‌کند. (همان و قائمی‌نیا، ۴۵)

در قرآن، واژهٔ «آیه» به‌مثابه **نماد** عمل می‌کند که هم به متن نوشتاری قرآن اشاره دارد و هم به پدیده‌های طبیعی مانند: «**وَفِی الْأَرْضِ آیَاتٌ لِّلْمُوقِنِینَ**» (الذاریات، ۲۰). این دوگانگی، قرآن را به نظامی نشانه‌ای تبدیل می‌کند که درک آن مستلزم تعامل فعّال مخاطب با دال‌ها و مدلول‌هاست (نک: نوری‌افشان و فتوت‌احمدی، تأملی در سبک زندگی توحیدی، ۱۸۲-۱۹۲).

۲-٤-۲. توحید ربوبی در قرآن

توحید در قرآن به دو سطح تقسیم می‌شود:

الف. توحید در خالقیت: پذیرش یکتایی خداوند در آفرینش؛ «**قُلِ اللَّهُ خَالِقُ کُلِّ شَیْءٍ**» (الرعد، ۱۶)

ب. توحید ربوبی: پذیرش حاکمیت مطلق خداوند بر تدبیر جهان؛ «**اَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ**» (الفاتحة، ۱)

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

توحید در خالقیت، به اصل آفرینش اشاره دارد، در حالی که توحید ربوبی بر استمرار حاکمیت خداوند بر جهان؛ «يُدَبِّرُ الْأَمْرَ» (یونس، ۳۱) و رابطهٔ انسان با این حاکمیت تأکید می‌کند. قرآن با تمرکز بر توحید ربوبی، انسان را به تأمل در نشانه‌ها فرامی‌خواند؛ «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ» (فصلت، ۵۳) تا از طریق آنها به درک ربوبیت الهی نائل شود و هدایت در صراط مستقیم را تجربه کند. مفهوم توحید ربوبی با کلیدواژهٔ «حق» در قرآن کریم گره خورده است:

بر پایهٔ باورهای قرآنی، خداوند متعال، یکتا خالق و آفریدگار هستی و مخلوقات است. او خالقی عالِم و قادر است که با دست توانای خود، جهان هستی را آفرید در حالی که به هرچیزی علم داشت و دارد. هم‌او به همراه خالقیت، عهده‌دار تربیت و تدبیر تمام امور مربوط به عالَم نیز هست. براساس آیات قرآن، خداوند، خود «حق» مطلق است؛ «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ» (الحج، ۶ و ۶۲ و لقمان، ۳۰) و هرآنچه از اوست برحق است. برای نمونه:

خداوند به‌حق سخن می‌گوید؛ «وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ» (الأحزاب، ۴)، وعده‌اش حق است؛ «إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ» (لقمان، ۳۳)، به سوی حق هدایت می‌کند؛ «قُلْ هَلْ مِن شُرَكَائِكُم مَّن يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ» (یونس، ۳۵)، دینش حق است؛ «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ» (التوبة، ۳۳)، قضاوتش به‌حق است؛ «وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ» (غافر،۲۰) و کتاب و رسولش را به‌حق فرستاده است؛ «وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ هُوَ الْحَقَّ» (سبأ، ۶) و «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا» (البقرة، ۱۱۹) که این هر دو هم برحقند و هم به سوی حق دعوت می‌کنند. به همین ترتیب خلقتش نیز برحق است؛ «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ» (الأنعام، ۷۳). از سوی دیگر باید دانست که هر حقی برای خداست؛ «أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ» (القصص، ۷۵) و از جانب اوست؛ «الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ» (البقرة، ۱۴۷) (نوری‌افشان و فتوت‌احمدی، تبیین نسبت دومفهوم توحید و علم، ۸۳).

با بررسی مفهوم واژهٔ حق در منابع این نتیجه به دست می‌آید: «حق در مورد یک امر ثابت به‌کار می‌رود که موجب استواری و اِحکام شده و چون در سر جای خود قرارگرفته،

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

صحت یک چیز را در پی دارد. بنابراین آنچه حق است، مطابق با واقع و در محل خـویش است. از این‌روست که به چیزی که راست و درست است حق و حقیقت گفتـه مـی‌شـود و آنچه دارای هدف و غایتی صحیح است و در آن مطابقت و هماهنگی دیده می‌شود نیز حق است.» (همان، ۸۲ و ۸۳). حق در قرآن کریم با واژگانی چون «سـنت»، «قَـدَر» و «امـر» دارای رابطهٔ معناداری است. عالَم برحق است یعنی دارای ویژگیهای ذیل است:

ـ دارای قوانین و سنتهایی ثابت، بی‌نقص و درست است که تمام مخلوقات خواه ناخواه از آن تبعیت می‌کنند. اساسا خلقت و روابط میان مخلوقات (با خود و با خداوند) بـر پـایـهٔ همین قوانین شکل گرفته است (همان، ۸۹ و ۹۰؛ نکـ : الأعراف، ۵۴).

ـ دارای دوام، پایداری و استحکام است به‌نحوی که اگر قانونی کشف شود، می‌تـوان آن را در شرایط یکسان تعمیم داد و از فوایدش بهره جست (همان؛ نکـ : الحج، ۶۵).

ـ برای بشر منفعت واقعی دارد؛ این ویژگی حاصل دوام و عدم تغییر در عالَم و قـوانین موجود در آن است (همان، ۹۱) (نکـ : الرعد، ۱۷).

ـ تمام مخلوقات دارای مقصد و هدفی هستند که خداوند از پیش برایشان مقـدّر کـرده است (همان،۹۲) (نکـ : آل‌عمران، ۱۰۹).

ـ تمام عالَم دارای یک هماهنگی بی‌نظیـر اسـت و هـیچ‌گونـه نقصـی در آن راه نـدارد (همان) (نکـ : ق، ۶).

نمودار ۱- ویژگیهای برحق‌بودن عالَم

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

بر این اساس در مورد توحید خالقیت و توحید ربوبی می‌توان گفت: «توحید یعنی یگانگی خداوندی که هم خالق است و هم مدبّر، و توحیدی‌بودن آفرینش یعنی درکنار هم دیدن مجموع ویژگیهای فوق در خلقت. عالَمْ توحیدی است؛ یعنی مبدأش یکی است، مقصدش یکی است و انرژی‌ای که آفرینش را از آن مبدأ به این مقصد می‌رساند نیز یکی است و این ناموس خلقت است؛ زیرا با تزلزل در هریک از ارکانش از هم می‌پاشد. به بیان دیگر توحید آن ناموس یا «ملکوت» هستی است که مخلوقات، بی‌کم و کاست و بی‌چون و چرا و با هماهنگی و یکپارچگی، چون پیکره‌ای واحد براساس آن در حرکت به سوی غایت خویشند.» (همان،۹۳).

با در نظر گرفتن مفاهیم بالا می‌توان گفت که منشأ حق در عالم یکی است، همان‌گونه که خداوند یکی است؛ زیرا خدا برحق است و حق با خداست: «**فَذٰلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلاَّ الضَّلاَلُ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ**» (یونس، ۳۲). بنابراین هرجا سخن از توحید ربوبی است، می‌توان به‌جای آن از واژهٔ «حق» استفاده کرد؛ زیرا ربوبیت خداوند بر پایهٔ ادارهٔ هستی بر مبنای حق است و حق چیزی جدای از خداوند نیست.

در همین راستا می‌توان به برهان نظم در کلام اسلامی اشاره داشت. قرآن از موجودات جهان به‌عنوان «آیات»؛ یعنی علائم و نشانه‌هایی از خداوند یاد می‌کند. نظم و سامان خاصی که بر کل جهان به صورت کلی حاکم است، انسان را به وجود خداوند رهنمون می‌کند؛ خدایی که آفریننده و تدبیرکنندهٔ جهان است (سبحانی تبریزی، ۳۳/۱-۳۹). در این زمینه آیات فراوانی وجود دارد که می‌توان به آیهٔ ۱۶۴ از سورهٔ بقره و آیهٔ سوم از سورهٔ ملک اشاره نمود. این برهان بر دو مقدمه استوار است:

اول: جهان طبیعت دربردارندهٔ پدیده‌های منظم است.

دوم: هر نظمی نیازمند تدبیر فاعلی نظم‌آفرین است.

در برخی منابع متقدم اسلامی نام این برهان «اتقان صنع» است و نه برای اثبات وجود خداوند، که برای اثبات صفاتی چون علم و حکمت الهی به‌کار رفته است که یادآور

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

توحیدی ربوبی ذکر شده در این مقاله است (نکـ : اشعری، اللمع، ۱۰ و غزالی، ۱۲۹/۱).

۲-٤-۳. جهان‌شمولی تفسیر نشانه‌ها

قرآن با معرفی خود به‌عنوان «هُدًى لِّلنَّاسِ» (البقرة، ۱۸۵)، ادعای جهان‌شمولی دارد. اما پرسش این است: چگونه یک متن می‌تواند برای فرهنگ‌ها و دوران‌هـای مختلـف مـرتبط باشد؟ پاسخ در ویژگی نشانه‌محوربودن زبان قرآن نهفته است:

الف. وابستگی به جهان‌بینی: تفسیر نشانه‌ها به پیش‌فرض‌های فکری مخاطـب بسـتگی دارد. به‌عنوان مثال، نشانهٔ «صَلیب» برای یک مسیحی نماد رستگاری است، اما بـرای یـک بودایی فاقد این معناست.

ب. تأثیر دانش و تجربه: درک نشانه‌ها با پیشرفت دانش تغییـر مـی‌کنـد (مـثلا تفسـیر حرکت ستارگان در گذشته و امروز).

ج. یکپارچگی در عین کثرت: قرآن با تأکید بر توحید ربوبی، وحدت حقیقت را حفـظ می‌کند، حتی اگر تفسیر نشانه‌ها متنوع باشد.

نمودار زیر رابطهٔ مفهومی بین سه محور نظری فوق را نمایش می‌دهد:

نمودار۲– رابطهٔ سه محور نظری در هدایت قرآن

این مدل نشان می‌دهد که هدایت قرآن نه از طریق تحمیل گـزاره‌هـای ثابـت، بلکـه از طریق فرایند پویای تعامل با نشانه‌ها محقق می‌شـود کـه در ادامـه بیشـتر بـه آن پرداختـه خواهد شد.

۳- تحلیل نشانه‌شناختی آیات قرآن: رویکردی تطبیقی

این بخش با ترکیب چارچوب‌های نشانه‌شناسی، کـلام اسـلامی، و تفاسـیر قرآنـی، بـه تحلیل عمیق‌تر آیات می‌پردازد و به نقد نظریه‌های رقیب پاسخ می‌دهد.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

۳-۱. قرآن به‌مثابه نظام نشانه‌ها: دیدگاه‌های موافق و مخالف

قرآن با تکیه بر واژهٔ «آیه»، هم بـه آیـات نوشـتاری خـود اشـاره مـی‌کنـد و هـم بـه پدیده‌هایی بیرون از خود؛ به‌طور کلی آن‌هنگام که «آیه» به چیـزی بیـرون از مـتن قـرآن اشاره دارد، به یکی از چهار مورد؛ طبیعت و قوانینش، انسان و انسان‌شناسی، معجزه و آنچه مایهٔ عبرت است اشاره دارد (نوری‌افشان و فتوت‌احمدی، تأملی در سبک زندگی توحیدی، ۱۸۱). این دوگانگی، زبان قرآن را به یک سـامانهٔ نشانه‌ای پیچیده تبدیل می‌کند که مخاطب را به تأمل و کشف رابطه بین دال‌ها و مدلول‌ها فرا می‌خواند. برای مثال به این آیه بنگریـد: «إِنَّ فِی خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّیْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْکِ الَّتِی تَجْـرِی فِـی الْبَحْـرِ ... لَآیَاتٍ لِّقَوْمٍ یَعْقِلُونَ» (البقرة، ۱۶۴). این آیه، پدیده‌های طبیعی (آسمان، زمین، شـب و روز) را به‌عنوان «آیات» معرفی می‌کند. در اینجا، «آیات» هم به‌عنوان دال (اشاره به متن قـرآن) و هم به‌عنوان مدلول (نشانه‌های الهی در طبیعت) عمل می‌کنند. بنابراین مخاطب بایـد بـا تعقـل، رابطهٔ بین این نشانه‌ها و ربوبیت الهی را کشف کند. و یا در ایـن آیـات: «إِنَّ فِـی السَّـمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآیَاتٍ لِّلْمُؤْمِنِینَ * وَفِی خَلْقِکُمْ وَمَا یَبُثُّ مِن دَابَّةٍ آیَـاتٌ لِّقَـوْمٍ یُوقِنُـونَ * وَاخْتِلَـافِ اللَّیْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا أَنزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِن رِّزْقٍ» (الجاثیة، ۳-۵). تکرار واژهٔ «آیات» در ایـن آیات، بر نقش دوگانهٔ قرآن به‌مثابه «متن» و «فرامتن» تأکید دارد. این ساختار، مخاطب را بـه عبور از سطح ظاهری متن به سوی کشف نشانه‌های وجودی هدایت می‌کند.

۳-۱-۱. نظریهٔ موافق: نشانه‌شناسی قرآن به‌مثابه کلید هدایت

علامه طباطبایی در «المیزان» تأکید می‌کند آیات قرآن، همچون آیات تکوینی، نشانه‌هایی هستند که انسان را به توحید ربـوبی رهنمـون مـی‌کننـد (طباطبـایی، ۱۲/۱). همچنـین ابـن عاشور در «التحریر و التنویر» قرآن را نظامی از دلالت‌های زبـانی و طبیعـی مـی‌خوانـد کـه مخاطب را به تأمل وامی‌دارد (ابن‌عاشور، ۴۵/۱). مشابه این نظریه در منابع غیراسـلامی نیـز دیده می‌شود. از جمله اومبرتو اکو (Umberto Eco) در کتاب «نظریه نشانه‌شناسـی» اسـتدلال می‌کند که متون مقدس، به دلیل ساختار نمادینشان، قابلیت تفسیر چندلایه دارنـد (Eco, 324) یا براساس نظر چارلز پیرس که نشانه را به شمایل، نمایه و نماد تقسیم‌بندی می‌کند، مـی‌تـوان

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

تفسیر قرآن به‌مثابه نماد را ممکن دانست (Hartshorne, 227-248).

نکته قابل تأملی که باید درنظر گرفته شود این است که تأکید علم نشانه‌شناسی نوین عموما بر زبان و فهم متن است (قائمی‌نیا، ۵۹)، حال آن که مقصود ما از نشانه‌شناسی قرآن و نشانه‌محور بودن آن این است که قرآن سعی دارد دائما ما را به بیرون از خود متوجه کند و هدایت را منحصر در خواندن و فهم متن نمی‌داند. در واقع از نگاه قرآن کریم، این تنها قرآن نیست که ابزار هدایت انسانهاست؛ بلکه خداوند رحمان، عالَم را به‌گونه‌ای آفریده است که سراسر حاوی نشانه‌هایی برای هدایت انسان به‌سوی حق و صراط مستقیم هستند. خداوند برای هدایت بشر بر روی زمین ابزارهای مختلف هدایتی قرار داده که ما به مجموعه آنها بستهٔ هدایتی می‌گوییم. خود قرآن هم یکی از اجزاء و شاید مهمترین جزء آن بسته هدایتی است. از این روست که به تمام ابزار دیگر نیز واژه «آیه» اطلاق و راههای توسعه ابزار هدایت را فراهم می‌کند. اگر قرآن به‌تنهایی می‌خواست بار هدایت انسان را بردارد و تمام جزئیات مسیر را به انسان بیاموزد، عدد صفحات آن به میلیون‌ها یا میلیاردها می‌رسید؛ حال آنکه با روش نشانه‌ها، هدایت در لایه‌های طبیعت، عقل و قلب انسان، در معارف تاریخی و تجربی، الهام و کشف و شهود، متافیزیک، عرفان و فلسفه، ریاضیات و خلاصه در همه‌جا جای‌گذاری شده و قرآن که «هدی للناس» است آمده تا هم خود بخشی از مسائل مربوط به هدایت را بازگو کند و هم به‌مثابه یک کتاب راهنما، به دیگر ابزار هدایت که توسط خداوند در این عالَم قرار گرفته اشاره کند و انسان را با انذار و تبشیر، موظف به توجه و پرداختن به آنها کند و با چنین تربیتی او را حقیقت‌جو و هدایت‌طلب بار آورد.

۳-۱-۲. نظریهٔ مخالف: نقد رویکرد نشانه‌شناختی

از جمله کسانی که می‌توان آرائش را مخالف نظر مقاله دانست شیخ محمد عبده است. وی در «رسالة التوحید» هشدار می‌دهد که تأکید بر نشانه‌ها ممکن است به تأویل‌گرایی افراطی و دوری از نص قرآن بینجامد (عبده، ۸۸). این در حالی است که قرآن خود در آیهٔ هفتم از سورهٔ آل عمران می‌فرماید: «**هُوَ الَّذِی أَنزَلَ عَلَیْکَ الْکِتَابَ مِنْهُ آیَاتٌ مُّحْکَمَاتٌ ... وَأُخَرُ مُتَشابِهاتٌ**». این آیه نشان می‌دهد که قرآن همزمان متن محکم (دلالت صریح)

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

و متشابه (نیازمند تأویل) دارد. رویکرد نشانه‌شناختی، نه تأویل‌گرایی افراطی، بلکه تعادل بین نص و تأمل را ترویج می‌کند.

سید قطب نیز در تفسیر «فی ظلال القرآن» معتقد است؛ قرآن متن هدایت است، نه مجموعه‌ای از نشانه‌های مبهم (سیدبن قطب، ۱۲۳/۲). قریب به این مضمون در فهم و تفسیر متون مقدس را می‌توان در منابع غیراسلامی نیز یافت، آنجا که ژاک دریدا (Jacques Derrida) در کتاب «گراماتولوژی» یا «بزرگی هرمنوتیک» استدلال می‌کند که هرمنوتیک نشانه‌محور می‌تواند به نسبی‌گرایی تفسیری منجر شود (Derrida, 100-101). جواب این سخن این است که هرچند در تفسیر قرآن کریم (چنان که طی قرنها نیز مشهود بوده است) بخشی از این نسبی‌گرایی را گریزی نیست، ولی از سوی دیگر می‌توان به آیهٔ نهم از سورهٔ اسراء اشاره کرد: «**إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ**» که براساس آن وحدت حقیقت در قرآن کریم مانع از نسبی‌گرایی تام و ازهم‌گسیختگی معنایی می‌شود. در واقع می‌توان ادعا کرد که تفسیر نشانه‌ها در چارچوب توحید ربوبی و شناخت و کشف حق و حقیقت، کثرت در عین وحدت را ممکن می‌سازد.

۳-۲. توحید ربوبی و نشانه‌ها: تحلیل تطبیقی

قرآن، توحید ربوبی و برحق‌بودن را محور هدایت می‌داند و نشانه‌ها را ابزاری برای درک این حاکمیت الهی معرفی می‌کند. در آیهٔ ۶۴ از سورهٔ آل عمران می‌خوانیم: «**قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ**». مفهوم کلمهٔ سواء که همان توحید است، در این آیه به مثابه نمادی است که نشانه‌های پراکنده در ادیان را حول محور ربوبیت الهی یکپارچه می‌کند و پذیرش توحید ربوبی، مستلزم توجه به نشانه‌هایی است که تدبیر الهی را در جهان آشکار می‌سازند: «**وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌ**» (الزخرف: ۸۴). همچنین در آیهٔ ۳۱ از سورهٔ یونس می‌خوانیم: «**قُلْ مَن يَرْزُقُكُم مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ... قُلِ اللَّهُ**». این آیه، با پرسشگری فعال، مخاطب را به تأمل در نشانه‌های رزق (مانند باران) وامی‌دارد تا به ربوبیت الهی پی ببرد. این رویکرد، زبان قرآن را از یک متن انفعالی به یک مکالمهٔ پویا تبدیل می‌کند.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

۳-۲-۱. دیدگاه موافق: توحید ربوبی به مثابه محور تفسیر

فخررازی توضیح می‌دهد که ربوبیت الهی، کلید فهم آیات است؛ زیرا خداوند هم خالق است و هم مدبر (فخرالدین رازی، ۲۰/۵). در این صورت توجه به نشانه‌های موجود در هستی راز دستیابی به تدابیر الهی در عالَم خواهد بود تا انسان با تدبر و فهم آنها و رسیدن یا نزدیک‌شدن به حق، از آنها عبرت گیرد و به صراط مستقیم هدایت شود:

هر چه در عالم عیان شد صورتش نقد حال است از برای عبرتش

حتی در منابع غربی نیز چنین نظراتی در مورد ربوبیت خداوند مطرح است. میرچا الیاده (Mircea Eliade) در کتاب «مقدس و نامقدس» استدلال می‌کند که نشانه‌های مقدس، تجلی امر الوهی در جهان مادی هستند (Eliade, 138).

به بیان دیگر اگر بخواهیم آیات قرآن را به‌تنهایی و در خارج از شبکهٔ معنایی آیات در هستی ببینیم ممکن است به کج‌فهمی دچار شویم. در عوض اگر آیات برون‌متنی قرآن را هم مانند آیات متنی‌اش نشانه‌ای از حق بدانیم؛ علم را که همان کشف قوانین موجود در آیات طبیعت (علوم تجربی) است و مدلول این نشانه‌ها را روشن می‌کند موجه بدانیم، نشانه‌های تاریخی و متون روایی را در نظر داشته باشیم، از درون و فطرت خود و قوانین مربوط به انسان و انسان‌شناسی (علوم انسانی) غافل نشویم، شهود باطنی را در گسترهٔ دید داشته باشیم و همهٔ اینها را با ذهنی حق‌گرا برهم منطبق کنیم، احتمال بدفهمی بسیار کمتر خواهد شد. شخص موحد می‌داند که معانی و مدلول تمام این نشانه‌ها باید یکی باشد و لاجرم باید بر حق منطبق باشد، همان‌گونه که می‌داند منشأ حق بیش از یکی نیست. پس اگر تفسیری از آیات قرآن دارد که با یکی از نشانه‌های قطعی دیگر از بستهٔ هدایتی الهی در تناقض است، باید در درستی تفسیرش شک کند و آن را بر محور توحید ربوبی بازتفسیر کند. از سوی دیگر اگر با عقل خود از نشانه‌ای به مدلولی رسید که با آیهٔ محکمی از قرآن کریم هم‌خوانی ندارد، باید آن تفسیر عقلی را دوباره بازبینی کند و با یک نگاه رفت و برگشتی آن دو را به هم برساند.

این بازتفسیرها نه‌تنها نشانهٔ ضعف عقل یا عدم جهان‌شمول بودن قرآن نیست، بلکه به

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

واسطهٔ اینکه نتیجهٔ طبیعتِ نظام نشانه‌ها در عالم است، ضروری است. خداوند برای هدایت انسان نظام نشانه‌ها را برگزیده و هزاران سال آن زبان را به انسان آموخته است. انسان در ابتدای تاریخ دریافت که برای یافتن شکار باید از ردپای حیوانات به‌عنوان نشانه کمک بگیرد؛ فهمید برای مسیریابی از ستاره‌ها بهره بگیرد و به این ترتیب به‌تدریج یاد گرفت که برای هدایت به صراط مستقیم باید نشانه‌ها را پیگیری کند. مادر طبیعت کلمه به کلمه نشانه‌های خود را به انسان نوآموز آموزش داد تا انسان روابط نشانه‌ها با حق را دریابد. البته این مسیر ادامه دارد و هنوز بسیاری از نشانه‌ها در درون انسان، فطرت، احادیث و روایات، تاریخ، فضا، الهام، رؤیا و بالاتر از اینها در قرآن کریم باقی مانده است و انسان باید برای استوارماندن در مسیر هدایت، رابطهٔ آنها را با حق بیابد.

۳-۲-۲. نظریهٔ مخالف: تحدید دامنهٔ ربوبیت

معتزله با تأکید بر عقلانیت محض، تفسیر نشانه‌ها را محدود به برداشت‌های منطقی می‌دانند و نقش تجربه را نادیده می‌گیرند (اشعری، ۶۷/۱). در حالی که قرآن کریم در آیهٔ ۱۹۱ از سورهٔ آل عمران می‌فرماید: «**الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَى جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ** ...». این آیه نشان می‌دهد که ترکیب عقل و تجربه (تفکر در خلقت) لازمهٔ درک نشانه‌هاست.

از سوی دیگر ریچارد داوکینز (Richard Dawkins) در کتاب «توهم خدا» نشانه‌های دینی را توهمات ذهنی می‌خواند (Dawkins, 380). این سخن وی البته با توجه به مطالب موجود در کتاب مقدس (انجیل) است. برای مثال می‌توان به این سخنان وی استناد کرد: «کسی که به صحت چیزی باور دارد چون در کتاب مقدس آن‌طور نوشته شده، و حتی اگر همهٔ شواهد دنیا را هم برخلاف رأی او باشند، چون در کتاب مقدس او طور دیگری نوشته، آن شواهد را نمی‌پذیرد؛ من مطلقا منکر می‌شوم که چنین آدمی باشم. اگر شواهد، مرا به پذیرش مطلبی وادارند من هم مثل هر دانشمندی مشتاقانه آن را می‌پذیرم. من بدون داشتن شواهد چیزی را درست نمی‌دانم.» (همان). در حالی که رویکرد قرآن به نشانه‌ها، مبتنی

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

بر تعامل عقلانی با آنهاست، نه پذیرش کورکورانه. برای نمونه آیهٔ ۲۴ سوره یونس: «**إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ... لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ**» شاهدی است بر این سخن که تا در زمرهٔ «**قوم یعقلون**» قرار نگیری، در اختلاف شب و روز، نشانه‌ای نمی‌بینی.

به‌طور کلی در ۳۷ آیه با عبارات گوناگون به تعمّق در آیات و نشانه‌ها تأکید شده و مهمتر اینکه نشانه‌ها را مخصوص و منحصرا برای عقلا و علما می‌داند؛ یعنی راه رسیدن به این نشانه‌ها و کشف رمز از آنها داشتن و بهره‌بردن از عقل، علم و توانایی‌های درونی است. این غیر از مواردی است که به‌طور کلی از ضرورت کسب آگاهی و بهره‌بردن از اندیشه‌ورزی و ارزش عقل و علم و فکر سخن به‌میان آمده‌است. نتیجه اینکه هدایتگری خداوند در قرآن از طریق پرورش و رشددادن (الجن، ۱ و ۲) انسانها با تشویق نسبت به بهره‌گیری از ابزار درونی قلب و تعقل و تفکر است که خود با بررسی آیات و نشانه‌ها (چه درون قرآن، چه آیات آفاقی و انفسی و چه نشانه‌ها و آیات دیگر) میسر می‌شود.

واژه	همنشین	تعداد	آدرس
آیة / آیات	لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ	۸	بقره، ۱۶۴؛ رعد، ۴؛ نحل، ۱۲؛ روم، ۲۴؛ نحل، ۶۷؛ عنکبوت، ۳۵؛ روم، ۲۸؛ جاثیه، ۵
	لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ	۴	بقره، ۷۳ و ۲۴۲؛ نور، ۶۱؛ حدید، ۱۷
	لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ	۷	یونس، ۲۴؛ رعد، ۳؛ روم، ۲۱؛ زمر، ۴۲؛ جاثیة، ۱۳؛ نحل، ۱۱و۶۲
	لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ	۸	انعام، ۹۷ و ۱۰۵؛ اعراف، ۳۲؛ توبه، ۱۱؛ یونس، ۵؛ نمل، ۵۲؛ فصلت، ۳
مفهوم و مصداق آیه	لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ	۱	غافر، ۶۷
	أُولُوا الْأَلْبَابِ	۷	بقره، ۲۶۹؛ آل‌عمران، ۷؛ رعد، ۱۹؛ ابراهیم، ۵۲؛ ص، ۲۹؛ زمر، ۹و۱۸
قرآن	لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ	۲	یوسف، ۲؛ زخرف، ۳

جدول۱– همنشین‌های لفظی و مفهومی «آیه» با دلالت عقلی

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

۳-۳. جهان‌شمولی تفسیر: چالش‌ها و پاسخ‌ها

تفسیر نشانه‌های قرآنی، تحت تأثیر عوامل فرهنگی و دانشی قرار دارد، اما توحید ربوبی به عنوان محور ثابت، وحدت حقیقت را حفظ می‌کند. اگر در تفسیر نشانه‌ها تفاوت فرهنگی وجود داشته باشد، فهم از آن نشانه نیز متفاوت خواهد بود. برای نمونه صلیب برای یک مسیحی، نماد رستگاری است، در حالی که برای یک بودایی فاقد هیچ معنای دینی است. در چنین شرایطی قرآن کریم با تمرکز بر توحید ربوبی، به جای تحمیل برخی نمادها، بر فرایند کشف حق و حقیقت تأکید می‌کند. همچنین است تأثیر دانش در تفسیر نشانه‌ها؛ هرچه آگاهی و دانش در زمینهٔ یک نشانه بیشتر باشد، فهم آن نیز دگرگون خواهد شد. ستارگان در قرون ابتدایی شاید تنها ابزاری برای جهت‌یابی بودند، حال آنکه امروزه نشانه‌هایی از گسترش کیهانند: «وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ» (الذاریات، ۴۷). جالب توجه اینکه قرآن با بیان اینکه: «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الآفَاقِ» (فصلت، ۵۳)، تفسیر تدریجی نشانه‌ها را پیش‌بینی می‌کند و هر درجه از فهم نشانه‌ها را که بر اساس بالا رفتن دانش بشری است، موجه می‌شمرد.

انتظار از قرآن بحث مهمی است و نشانه‌دیدن قرآن انتظار از آن را در حد نشانه‌بودن حفظ می‌کند. به این معنا که دیگر کسی نمی‌تواند ادعا کند که تنها و تنها از طریق آیات متنی قرآن، کامل‌ترین مسیر هدایت را یافته بدون اینکه نشانه‌های برون‌متنی قرآن را بررسی کرده باشد. علت آن است که قرآن قوانین بهداشتی، فیزیکی، حتی بسیاری از قوانین اجتماعی و... را صراحتا بیان نکرده، بلکه انسان را به سوی کشف آنها هدایت کرده است.

۳-۳-۱. دیدگاه موافق: قرآن و تأیید تفاوت و گوناگونی در تفسیر

در اینکه با در نظر گرفتن زمان و مکان، و با تفاوت در دانش بشری، فهم از نشانه‌ها و درنتیجه فهم از قرآن کریم به عنوان کتاب نشانه‌محور متفاوت خواهد بود، شکی نیست؛ اما در برابر این واقعیت، اندیشمندان به دو دسته تقسیم شدند؛ عده‌ای این تفاوت و گوناگونی را به رسمیت شناختند و آن را تأیید کردند و عده‌ای نپذیرفتند. محمدحسین فضل الله از

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

جمله موافقان است و در تفسیر «من وحی القرآن» می‌نویسد: تفسیر قرآن، محصول تعامل متن با ذهنیت مفسر و شرایط زمانی اوست (فضل‌اللّه، ۱۵/۳) و عبدالکریم سروش در «قبض و بسط تئوریک شریعت» استدلال می‌کند که قرآن، متنی زنده است که با پیشرفت دانش، معانی جدیدی را آشکار می‌کند (سروش، قبض و بسط تئوریک شریعت، ۱۲۲). این دیدگاه در فهم مطلق متون نیز مورد تأیید گروهی قرار دارد. از جمله هانس گئورگ گادامر (Hans-Georg Gadamer) در کتاب «حقیقت و روش» بر نقش افق‌های فهم در تفسیر متن تأکید می‌کند (Gadamer, 360).

۳-۳-۲. نظریهٔ مخالف: خطر اضمحلال معنا

در مقابل گروه پیشین، برخی تفاوت در فهم و تفسیر قرآن کریم را برنمی‌تابند و آن را انحراف از حق می‌دانند؛ ابن تیمیه در کتابش به نام «درء تعارض العقل والنقل» هشدار می‌دهد که تفسیرهای متنوع می‌توانند به تحریف مفاهیم قرآنی بینجامند (ابن‌تیمیه، ۵۵/۱).

در پاسخ چنین نظری می‌توان به آیهٔ ۸۲ از سورهٔ نساء اشاره داشت: «أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِندِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيراً». این آیه به نوعی نشان می‌دهد که تنوع تفسیری، به شرط پایبندی به وحدت حقیقت (من عندالله)، مجاز است. توضیح اینکه به دلیل ساختار نشانه‌ای قرآن کریم، تفسیرها و فهم‌های متعدد از قرآن اجتناب‌ناپذیر است؛ اما کسی که معتقد به وحدانیت حق و رسوخ حق در تمام تار و پود عالم است، آنقدر آیه را می‌کاود و نشانه‌های آن را با سایر محکمات در نشانه‌های برون‌متنی تطابق می‌دهد تا جهت‌گیری درست آن آیه را دریابد:

«إِنَّ اللَّهَ لا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا ما بَعُوضَةً فَما فَوْقَها فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرادَ اللَّهُ بِهذا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيراً وَيَهْدِي بِهِ كَثِيراً وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلاَّ الْفاسِقِينَ» (البقرة، ۲۶)

براساس آیهٔ فوق، تنها کسانی موفق به فهم مدلول درست نشانه‌های قرآن می‌شوند که

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

به یکتابودن و درهم‌تنیده بودن حق در عالم ایمان داشته باشند و به دنبال معنای صحیح قول خدا و تطابق آن با فعل خدا (طبیعت و علم) باشند. خداوند همان‌گونه که قرآن را قول حق می‌داند، خلقت را هم قول حق می‌داند:

«وَهُوَ الَّذی خَلَقَ السَّماواتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَیَوْمَ یَقُولُ کُنْ فَیَکُونُ قَوْلُهُ الْحَق...» (الأنعام، ۷۳)

همچنین توماس آکویناس (Thomas Aquinas) ادعا می‌کند که متون مقدس باید تنها یک معنای اصیل داشته باشند. این عده معتقدند، قرائتهای مختلف از یک متن مقدّس پذیرفتنی نیست و نباید اتفاق بیفتد (آکویناس، ۱۰۰).

در پاسخ این دسته نیز باید گفت باور معتقدان به نظریهٔ قرائت‌های گوناگون (Multiple Readings) در الهیات مسیحی (نک: مک‌گراث) و قرآن «کِتَابٌ أُحْکِمَتْ آیَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ» (هود، ۱) این است که متون مقدس می‌توانند هم‌زمان ثابت (محکمات) و منعطف (متشابهات) باشند.

جدول تطبیقی نظریه‌های موافق و مخالف را می‌توان به این صورت ترسیم نمود:

موضوع	نظریه موافق	نظریه مخالف	پاسخ قرآنی/علمی
نقش نشانه‌ها	نشانه‌ها ابزار هدایت پویا هستند (طباطبایی، اکو)	نشانه‌ها به تأویل‌گرایی می‌انجامند (عبده، دریدا)	لِیُبَیِّنَ لَهُمُ الَّذِی یَخْتَلِفُونَ فِیهِ (النحل، ۶۴)
توحید ربوبی (برمدار حق)	ربوبیت، محور وحدت‌بخش تفسیرهاست (رازی، الیاده)	ربوبیت محدود به خالقیت است (معتزله، داوکینز)	قُلْ أَغَیْرَ اللَّهِ أَتَّخِذُ وَلِیًّا (الأنعام، ۱۴)
جهان‌شمولی تفسیر	تفسیرها متنوع اما همسو با حقیقت واحدند (سروش، گادامر)	تفسیرهای متنوع به تحریف می‌انجامند (ابن تیمیه، آکویناس)	وَمَا أَرْسَلْنَاکَ إِلَّا کَافَّةً لِّلنَّاسِ (سبأ، ۲۸)

جدول۲- جدول تطبیقی نظریه‌های موافق و مخالف

تحلیل نشانه‌شناختی آیات قرآن نشان می‌دهد که زبان قرآن به مثابه «زبان نشانه»، نه تنها با چارچوب‌های کلامی و تفسیری سنتی سازگار است، بلکه پاسخگوی چالش‌های

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

مدرنی چون نسبی‌گرایی و پلورالیسم است. قرآن با ترکیب ثبات در هدف: «صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ» و انعطاف در روش: «لِكُلٍّ جَعَلْنَا مِنكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا» (المائدة، ۴۸)، الگویی بی‌همتا برای هدایت فرازمانی ارائه می‌دهد. قرآن کریم با بهره‌گیری از زبان نشانه‌ها، مخاطب را به فرایندی فعالانه برای کشف حقیقت دعوت می‌کند. از سوی دیگر توحید ربوبی، به عنوان محور ثابت، تفسیرهای متنوع را حول یک حقیقت واحد هماهنگ می‌سازد و جهان‌شمولی قرآن نه در گزاره‌های ثابت، بلکه در قابلیت انطباق نشانه‌ها با شرایط مختلف نهفته است.

٤- نتایج نشانه‌محور دیدن زبان قرآن

این بخش یافته‌های کلیدی پژوهش را خلاصه می‌کند و آنها را در تعامل با ادبیات موجود تحلیل می‌نماید.

٤-١. یافته‌های کلیدی

الف. زبان قرآن به مثابه نظام نشانه‌ها و قرآن کتاب ارجاع: قرآن با استفاده از واژهٔ «آیه»، هم به متن نوشتاری و هم به نشانه‌های فرامتنی اشاره می‌کند. این دوگانگی، قرآن را به یک سامانهٔ نشانه‌شناختی پویا تبدیل می‌کند که مخاطب را به تأمل و تعامل فرامی‌خواند: «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الآفَاقِ وَفِي أَنفُسِهِمْ» (فصلت، ۵۳).

اگر با در نظر گرفتن این نکته به آیات نگریسته شود، حاصل این خواهد بود که قرآن، مجموعه‌ای از ارجاعات است؛ ارجاعاتی که مانند یک آدرس عمل می‌کنند. نشانه‌هایی که مانند برخی علامات و نمادها در نقشه‌ها هستند و با پیگیری آنها می‌توان به هدف نهایی رسید. صد البته که چون عالَم در عالی‌ترین حد خود آفریده شده و دارای پیچیدگیهای فراوانی است، نشانه‌ها و آدرسها هم نمی‌توانند به این سادگی باشند. برخی ارجاعات قرآن، ارجاع به دانسته‌های قبلی خود انسان است. بسیاری از دانشها را خداوند در درون خود ما نهادینه کرده است و قرآن برای بیرون ریختن‌شان به همان‌ها اشاره می‌کند و این همان

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

مفهوم «ذکر» بودن قرآن است: «ص وَالْقُرْآنِ ذِی الذِّکْرِ» (ص، ۱)

وقتی خداوند در قرآن –که کتاب راهنمای بشریت به سوی هدایت است– به آیات دیگرش در این عالَم از جمله آیات آفاقی و انفسی اشاره می‌کند، این خود گواهِ حقانیتِ پرداختن و کشف قوانین مربوط به آنها و موجه‌بودن استفاده از نتایج مطالعات در مورد آنهاست (نکـ : نوری‌افشان و فتوت‌احمدی، تأملی در سبک زندگی توحیدی، ۱۶۶). از سوی دیگر قرآن برخی منابع فکری و الگوگیری در بیرون از خود را ناموجه اعلام می‌کند؛ منابعی چون جادو، الهام‌های شیطانی، پیروی از هوای نفس، سرسپردگی به غیر خدا، ظن و گمان بیهوده، استدلالات سست و پیروی چشم بسته از اجداد و سنت گذشتگان و...

ب. توحید ربوبی در قرآن؛ محور وحدت‌بخش و کانون مرکزی هدایت:

توحید ربوبی «قُلْ مَنْ رَبُّ السَّماواتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ» (الرعد، ۱۶) تفسیرهای متنوعی از نشانه‌ها را حول محور حاکمیت الهی هماهنگ می‌سازد. این مفهوم، تضاد بین ثبات حقیقت و تغییرپذیری تفسیرها را حل می‌کند. قرآن کتاب راهنمایی است که بستهٔ کامل هدایتی خداوند برای انسان را معرفی کرده و همزمان که خود در کانون مرکزی این بستهٔ هدایتی قرار دارد، شیوه بهره‌گرفتن از آنها را نیز به انسان می‌آموزد. شیوه بهره‌گیری از تمامی نشانه‌ها همانا حق‌گرابودن یا موحدبودن به توحید ربوبی و ایمان به یکتابودن قول و فعل خداوند در تمام هستی است. مرحله اول برای قرارگرفتن در مسیر هدایت، ابزار درونی عقل و فطرت است. کسانی که به‌درستی از آنها بهره‌گیرند، در مواجهه با قرآن سر تسلیم فرود خواهند آورد و به حقانیتش یقین پیدا می‌کنند و از طریق قرآن هدایتی افزون می‌یابند: «وَیَزِیدُ اللَّهُ الَّذِینَ اهْتَدَوْا هُدًی... » (مریم، ۷۹)

«وَالَّذِینَ اهْتَدَوْا زادَهُمْ هُدًی وَآتاهُمْ تَقْواهُمْ» (محمد، ۱۷)

ج. جهان‌شمولی تفسیر نشانه‌ها و تغییر انتظار از قرآن

تفسیر نشانه‌های قرآنی تحت تأثیر دانش، فرهنگ و تجربه است؛ اما این تنوع، به شرط

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

التزام به توحید ربوبی، به تکثرگرایی هدایت‌محور منجر می‌شود. هرچند نمونه‌هایی علمی یا تاریخی در قرآن وجود دارد؛ با این حال نمی‌توان گفت قرآن کتابی علمی، تاریخی، ادبی و یا فلسفی است. در این نگاه، توجه باید دائما معطوف به اشارات قرآن باشد تا از هدف غایی انحراف ایجاد نشود. مثلا ممکن است خداوند در قرآن از یک گزاره به‌ظاهر علمی استفاده کرده باشد، ولی هدف از آن می‌تواند توجه‌دادن به برخی مسائل مربوط به خلقت و اهداف آن و تشویق به مطالعه هرچه بیشتر و تفکر و تعقل در آن زمینه باشد تا انسان را به جهت درست هدایت کند و از علم حاصل از آن نشانه در جهت بهبودی زندگی‌اش استفاده کند. در اینصورت نگاه صرفا علمی به آن گزاره نه تنها انسان را به مقصود خداوند نزدیک نمی‌کند، بلکه ممکن است با مشغول ماندن در آن، از حقیقت و مسیر درست دور شود.

اگر انتظار از قرآن براساس نشانه و آیه‌بودنش باشد، دیگر دقیق‌نبودن و ابهام برخی گزاره‌های به‌ظاهر علمی نیز بی‌اهمیت می‌شود؛ برای ارجاع به طبیعت، نجوم، فیزیک و... قرآن گاهی برخی پدیده‌های طبیعی را مطرح می‌کند، اما آنها را به‌صورت دقیق و با گزاره‌های علمی بیان نمی‌کند، تا جایی که گاهی تصور می‌شود با علم در تعارض است. اولا این ابهام در گفتار، خود می‌تواند نوعی راهکار باشد تا حتی کسانی که این پدیده را به‌گونه‌ای دیگر می‌فهمند، از مطلب اصلی به حاشیه نروند و در متن متمرکز باشند. از سوی دیگر این ابهام باعث می‌شود که پس از کشف حقایق پدیده‌ها، آیات طوری تفسیر شوند که تناقضی در کار نباشد. این خود نشان می‌دهد که هدف، آموزش آن پدیده نبوده، بلکه اشاره به یک نشانه برای استفاده از آن در راه هدایت بشر بوده است.

٤-۲. بحث تطبیقی با ادبیات موجود

الف. همسویی با مطالعات نشانه‌شناسی

نظریه اومبرتو اکو درباره «متن باز» (Eco, 324) با قابلیت تفسیر چندلایه قرآن همخوانی دارد؛ اما قرآن با تکیه بر توحید ربوبی، از افتادن به دام نسبی‌گرایی جلوگیری می‌کند.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

ب. تفاوت با رویکردهای کلامی کلاسیک

برخلاف نظر شیخ محمد عبده که تفسیر نشانه‌ها را محدود به نص می‌داند (عبـده، ۸۸)، این پژوهش نشان می‌دهد که قرآن با ترکیب «محکمات و متشابهات» (آل‌عمـران، ۷)، هـم به نص پایبند است و هم به تأویل دعوت می‌کند.

ج. پاسخ به نقدهای مدرن

ادعای ریچارد داوکینز مبنی بر «توهم‌بودن نشانه‌های دینـی» (Hartshorne, 227-248) با شواهد قرآنی که بر تعامل عقلانی با طبیعت تأکید دارد: «**قُلْ سِيرُوا فِي الْـأَرْضِ فَـانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ**» (العنکبوت، ۲۰) رد می‌شود.

مؤلفه	یافته این پژوهش	نظریه‌های پیشین	نوآوری پژوهش
نقش نشانه‌ها	ابزار هدایت پویا و تعاملی	متن بسته (سید قطب) متن باز (اکو)	تلفیق نشانه‌شناسی با توحید ربوبی
توحید ربوبی	محور وحدت‌بخش تفسیرها	محدود به خالقیت (معتزله)	پیوند ربوبیت با تفسیر جهان‌شمول
تفسیر قرآن	تکثرگرایی هدایت‌محور	تفسیر تک‌معنایی (ابن تیمیه)	ترکیب ثبات حقیقت با انعطاف روشی

جدول۳- جدول مقایسه‌ای یافته‌ها با نظریه‌های پیشین

۵- نتایج مقاله

این پژوهش با تحلیل نشانه‌شناختی آیات قرآن ضمن اینکه چارچوبی نوین برای تلفیق نشانه‌شناسی با الهیات اسلامی ارائه می‌دهد که می‌توانـد در طراحـی روش‌هـای آموزشـی قرآن و گفتگوی بین‌فرهنگی به کار رود، دارای سه دستاورد اصلی است:

۱. قرآن به مثابه زبان نشانه

قرآن با تعریف خود به عنوان «آیات»، مخاطب را به فرایندی فعالانه برای کشف رابطه بین نشانه‌های متنی و فرامتنی دعوت می‌کند. این رویکرد، قرآن را از یک مـتن ایسـتا بـه

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

یک مکالمه پویا و محور بسته هدایت الهی تبدیل می‌کند.

۲. توحید ربوبی و وحدت معنا

توحید ربوبی و حق نه تنها محور هدایت قرآنند، بلکه به عنوان چارچوب ثابتی عمل می‌کنند که تفسیرهای متنوع را حول حقیقت واحد هماهنگ می‌سازند. این یافته، پاسخ قاطعی به نگرانی‌های نسبی‌گرایی (دریدا) و تحریف‌پذیری (ابن تیمیه) است.

۳. جهان‌شمولی و انعطاف تفسیری

قرآن با بهره‌گیری از زبان نشانه‌ها، الگویی فرازمانی و فرامکانی ارائه می‌دهد که همزمان با پیشرفت دانش و تحول فرهنگی سازگار است. این ویژگی، قرآن را به متنی زنده و پاسخگو به نیازهای انسان در هر عصر تبدیل می‌کند.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

کتاب‌شناسی

۱. قرآن کریم
۲. آرکون، محمد، الفکر الأصولی و استحالة التأصیل، ترجمه صالح هاشم، بیروت؛ دار الساقی، ۱۹۹۹م
۳. آکویناس، توماس، مدخل الهیات، ترجمه محمدرضا میرزایی، تهران؛ انتشارات عابداندیش، ۱۴۰۲ش
۴. ابن‌تیمیه، احمدبن عبدالحلیم، درء تعارض العقل والنقل، مدینه؛ إدارة الثقافة و النشر بالجامعة، ۱۴۱۱ق
۵. ابن‌عاشور، محمدبن طاهر، التحریر و التنویر، تونس؛ الدار التونسیة للنشر، ۱۹۸۴م
۶. ابوزید، نصرحامد، مفهوم النص؛ دراسة فی علوم القرآن، بیروت؛ المرکز الثقافی العربی، ۱۹۹۰م
۷. همو، نوسازی، تحریم و تأویل؛ از شناخت علمی تا هراس از تکفیر، ترجمه محسن آرمین، تهران؛ نشر نی، چ۲، ۱۳۹۶ش.
۸. اشعری، ابوالحسن علی‌بن اسماعیل، مقالات الإسلامیین واختلاف المصلین، تحقیق محمد محیی‌الدین عبدالحمید، بیروت؛ المکتبة العصریة، ۱۴۱۱ق
۹. همو، اللمع فی الرد علی أهل الزیغ والبدع، ابوظبی؛ دار الحکماء للنشر، ۱۴۴۲ق
۱۰. جوادی‌آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم؛ اسراء، چ۱۳، ۱۴۰۳ش
۱۱. چندلر، دانیل، مبانی نشانه‌شناسی، ترجمه مهدی پارسا، تهران؛ انتشارات سوره مهر، چ۳، ۱۳۸۷ش
۱۲. حکیمی، محمدرضا، جامعه‌سازی قرآنی، قم؛ دلیل ما، چ۹، ۱۳۸۹ش
۱۳. دامن‌پاک مقدم، ناهید، بررسی نظریه عرفی‌بودن زبان قرآن، تهران؛ نشر تاریخ و فرهنگ، ۱۳۸۰ش
۱۴. سبحانی تبریزی، جعفر، الهیات علی هدی الکتاب والسنة والعقل، قم؛ مؤسسة الإمام الصادق(ع)، ۱۴۲۳ق
۱۵. سروش، عبدالکریم، فربه‌تر از ایدئولوژی، تهران؛ مؤسسه فرهنگی صراط، ۱۳۷۳ش
۱۶. همو، صراط‌های مستقیم، تهران؛ مؤسسه فرهنگی صراط، ۱۳۷۷ش
۱۷. همو، بسط تجربه نبوی، تهران؛ مؤسسه فرهنگی صراط، ۱۳۷۹ش
۱۸. همو، قبض و بسط تئوریک شریعت؛ نظریه تکامل معرفت دینی، تهران؛ مؤسسه فرهنگی صراط، ۱۳۹۳ش
۱۹. سیدبن قطب، ابراهیم شاذلی، فی ظلال القرآن، بیروت؛ دارالشروق، چ۱۷، ۱۴۱۲ق
۲۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم؛ دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ۵، ۱۴۱۷ق.
۲۱. عبدالرحمن، طه، تجدید المنهج فی تقویم التراث، بیروت؛ المرکز الثقافی العربی، چ۲، ۲۰۰۱م.
۲۲. عبده، محمد، رسالة التوحید، قاهره؛ مکتبة الأسرة، ۲۰۰۵م.
۲۳. غزالی، محمدبن محمد، إحیاء علوم الدین، ریاض؛ دار المنهاج، ۱۴۳۲ق.
۲۴. فخر رازی، أبوعبدالله محمدبن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، دار إحیاء التراث العربی، چ۳، ۱۴۲۰ق.
۲۵. فضل‌الله، سیدمحمد حسین، تفسیر من وحی القرآن، بیروت؛ دارالملاک للطباعة و النشر، چ۲، ۱۴۱۹ق.
۲۶. قائمی‌نیا، علیرضا، بیولوژی نص؛ نشانه‌شناسی و تفسیر قرآن، تهران؛ سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۹ش.
۲۷. قدردان ملکی، محمدحسن، راز خلقت و بقا؛ رابطه خدا با جهان، قم؛ پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ۳، ۱۳۹۸ش.
۲۸. کوهن، توماس، ساختار انقلابهای علمی، ترجمه سعید زیباکلام، تهران؛ انتشارات سمت، ۱۴۰۲ش.
۲۹. مطهری، مرتضی، توحید، تهران؛ صدرا، ۱۳۸۷ش.
۳۰. مظاهری تهرانی، بهاره؛ مصلایی‌پور، عباس و ایزدی، مهدی، گونه‌شناسی آیات علمی قرآن و مبانی استنباط گزاره‌های علمی از آنها، آموزه‌های قرآنی، شماره۲۶، صص ۱۰۵-۱۳۰، ۱۳۹۶ش.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

۳۱. مک‌گراث، آلیستر، درسنامه الهیات مسیحی، ترجمه بهروز حدادی، قم؛ انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۰ش
۳۲. نوری‌افشان، مهدی و فتوت‌احمدی، حامد، تأملی در سبک زندگی توحیدی برپایه معناشناسی واژه «آیه» در قرآن کریم، مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، شماره۳، ۱۴۰۱ش
۳۳. همو، تبیین نسبت دو مفهوم «توحید و علم» برپایه کاربست کلیدواژه «حق» در قرآن کریم، پژوهشنامه قرآن و حدیث، شماره۳۳، ۱۴۰۲ش
۳۴. هاشمی، سیدحسین، قرآن و کثرت‌گرایی دینی (پلورالیسم)؛ مبانی، زمینه‌ها و انگیزه‌ها، پژوهشهای قرآنی، شماره۳۱، ۱۳۸۱ش
35. Dawkins, Richard. The God Delusion. Bantam Press. 2006.
36. Derrida, Jacques. Grandeurs of the Hermeneutic. Stanford University Press. 2001.
37. Eco, Umberto. A Theory of Semiotics. Bloomington. Indiana Press. 1979.
38. Eliade, Mircea. The Sacred and the Profane. Translator: Willard R. Trask. Harper & Row. 1957.
39. Gadamer, Hans-Georg. Truth and Method. Continuum International Publishing Group. 1960.
40. Hartshorne, Charles; Weiss, Paul. Collected Papers of Charles Sanders Peirce. Harvard Univesity Press. 1931.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]